

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)

دکتر جهانگیر جهانگیری^۱، دکتر خلیل‌اله سردارنیا^۲ و قاسم علیزاده^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۱

چکیده:

سرمایه‌ی اجتماعی با محوریت اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و مدارای سیاسی از پیش‌شرط‌های مهم برای انسجام‌بخشی و همبستگی اجتماعی و نیز دموکراسی هستند. هدف در این پژوهش، بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان بود. در این مطالعه از نظریه‌ی رابرت پاتنام برای طرح گویه‌ها یا سنجه‌های متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و از نظریه‌ی کینگ برای متغیر مدارای سیاسی استفاده شد. این تحقیق با روش پیمایشی انجام شده است که حجم نمونه، ۳۹۰ نفر از بین دانشجویان همگی مقاطع تحصیلی دانشگاه شیراز بعنوان جامعه‌ی آماری بود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۱۹/۲ درصد از کل دانشجویان دارای مدارای سیاسی در سطح پایین، ۶۱/۳ درصد مدارای سیاسی متوسط و ۱۹/۵ درصد دارای مدارای سیاسی بالا هستند. متغیرهای مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی، تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان مصرف رسانه‌ای، فرایض مذهبی، عضویت در تشکله‌ها، سن و مقطع تحصیلی با مدارای سیاسی رابطه‌ی معنادار داشتند ولی در ارتباط با متغیرهای وضعیت تأهل، دانشکده‌ی محل تحصیل، قومیت، محل سکونت، محل تولد و جنسیت با مدارای سیاسی رابطه‌ی معناداری دیده نشد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، محل تولد، اعتماد اجتماعی، محل سکونت، مصرف رسانه و جنسیت در معادله وارد شدند و در مجموع ۲۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند.

مفاهیم کلیدی: دانشگاه شیراز، مدارای سیاسی، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی

^۱ دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول)

jjahangiri@gmail.com

^۲ دانشیار بخش علوم سیاسی دانشگاه شیراز kh_sardarnia@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز alizadeh.ghasem1366@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

دموکراسی به مثابه مشی حکمرانی، در خلاء شکل نمی‌گیرد بلکه شکل‌گیری و مهم‌تر از همه، استمرار آن نیازمند بسترها و پیش شرط‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است؛ لذا بدون وجود این پیش شرط‌ها، دموکراسی اگر هم شکل بگیرد استمرار پیدا نمی‌کند. نکته‌ی شایان ذکر آن است که بین نوع ساختار سیاسی یا حکومت و نوع فرهنگ سیاسی رابطه‌ی بازتولیدی وجود دارد به این معنی که استمرار و نهادینه شدن دموکراسی، بیش از هر چیز، نیازمند فرهنگ سیاسی دموکراتیک و مدنی و باورهای مدنی همچون مدارای سیاسی، انتقادپذیری، مسئولیت‌پذیری مدنی حکومت و نهادهای مدنی و شهروندان، قانون‌باوری، مشارکت و باورهایی از این دست است.

دموکراسی برای استمرار نیازمند فضای آرام منطقی و رقابت پویا در چارچوب قواعد بازی دموکراتیک و رعایت قاعده «وحدت در عین کثرت» است و در دموکراسی، حقوق بدون تکالیف و تعهد مدنی معنایی نمی‌یابد. در این بین، مدارای سیاسی به معنی تحمل عقاید مخالف و قائل شدن حق رقابت و مخالفت قانونی برای رقیب و احترام به حقوق شهروندی آنان است و بدون این مقوله، جامعه دچار تلاطم‌های سیاسی و رقابت‌های حذفی می‌شود و طبعاً این بستر، دموکراسی نوپا را متزلزل می‌سازد؛ لذا مدارا برای استمرار و نهادینه کردن دموکراسی و قاعده‌مندسازی رقابت‌ها در پویای سیاسی و مشارکتی بسیار ضروری است.

سرمایه‌ی اجتماعی با مؤلفه‌ی جوهری درونی به نام اعتماد و مؤلفه‌های بیرونی یعنی شبکه‌های اجتماعی و همکاری و تعهد اجتماعی نیز از مهم‌ترین بسترسازهای مهم برای دموکراسی و استمرار دموکراسی هستند. طبق نظریه‌های مطرح شده در این ارتباط، باور بر آن است که سرمایه‌ی اجتماعی با مؤلفه‌های یاد شده و تجربه‌ی مشارکتی اجتماعی ضمن آن که سبب انسجام اجتماعی می‌شود، در عین حال نیز سبب استفاده از درگیرشدگی‌های مدنی و تجربیات پیشین مشارکتی غیر سیاسی در پویای سیاسی دموکراتیک می‌شود. تجربیات حاکی از آن هستند که سرمایه‌ی اجتماعی هم در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و هم در توسعه‌ی سیاسی مؤثر بوده است، تحقیق پاتنام در مورد ایتالیا، مثال خوبی در این مورد است.

در جامعه‌ی ایران نیز به نظر می‌رسد اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی در دو دهه‌ی اخیر به دلایلی رو به کاهش بوده است و این موضوع می‌تواند در ارتباط با فرایند توسعه‌ی سیاسی و انسجام اجتماعی پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری داشته باشد؛ لذا بایستی با

یک رویکرد سیستمی، همه‌ی افراد و شهروندان و گروه‌های اجتماعی در همکاری با حکومت برای التیام بخشیدن به انسجام و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و اعتمادسازی بین حکومت و جامعه و بین گروه‌ها با یکدیگر و بین افراد با یکدیگر، تلاش جدی داشته باشند و هم‌افزایی کنند (سردارنیا، ۱۳۹۳: ۹۰).

در این نوشتار، نگارندگان در صدد هستند که رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی با مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی و تعهد اجتماعی را با مدارای سیاسی که از نظریه‌ی کینگ استفاده شده است را با روش پیمایشی مورد بررسی قرار دهند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

تحقیقات انجام شده در ایران اغلب به بررسی مدارای اجتماعی پرداخته‌اند و تنها در بعضی از این پژوهش‌ها به مدارای سیاسی پرداخته شده، در واقع در این تحقیقات مدارای سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد مدارای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی با روش پیمایشی با حجم نمونه ۲۲۰ نفر، به بررسی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی پرداخته‌اند که نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه‌ی معکوس و معناداری داشته است و همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که متغیرهای اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیر رسمی سیاسی و سرمایه‌ی اجتماعی انحصاری و ارتباطی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا هستند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۸-۶۴).

ترکرانی (۱۳۸۹)، در پژوهشی پیمایشی با حجم نمونه ۳۰۰ نفر، به بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان پرداخته است. یافته‌های جامعه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد، مدارای قومیتی و ملیتی و مدارا در رفتار با مجرمان در سطح متوسط رو به بالا، مدارای جنسیتی، مدارای محلی، مدارای عقیدتی در سطح متوسط و مدارا نسبت به جرم و مدارا در روابط جنسی و مدارای سازمانی در سطح پایینی قرار دارد (ترکرانی، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۳۷).

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰)، در پژوهش دیگری به مطالعه‌ی خانواده‌های شهر شیراز در زمینه‌ی عوامل و پیامدهای مدارا پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند

متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده دارای رابطه‌ی معناداری با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌ها بودند. در میان عوامل مؤثر بر مدارا، میزان برخورداری از امکانات زندگی، بیشترین تأثیر را بر مدارا نشان داد. در مورد پیامدهای مدارا نیز، نتایج نشان داد که مدارا رابطه‌ی معکوسی با تمایل اعضا به ترک خانواده، انحرافات و دورویی در خانواده دارد (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۵۳).

گلابی و رضایی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با روش پیمایشی با حجم نمونه ۳۰۷ نفر به بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشکین‌شهر آذربایجان شرقی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار هستند (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲: ۸۶-۶۱).

(ب) تحقیقات خارجی

در پژوهش‌های خارجی مطالعات وسیع‌تری درباره‌ی مدارای سیاسی انجام گرفته است. از جمله در پژوهشی با عنوان "تأثیر مشارکت سیاسی بر مدارای سیاسی در آمریکا" نسی داینین^۱ (۲۰۰۱)، با تحلیل داده‌های ثانویه به بررسی رابطه‌ی بین مشارکت سیاسی و سطح مدارای سیاسی افراد پرداخته است که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تحصیلات بالاترین قدرت تبیینی را بر مدارا دارد و بعد از آن نژاد در مرتبه‌ی دوم و ایدئولوژی در مرتبه‌ی سوم قرار می‌گیرد و ضعیف‌ترین رابطه‌ی معنادار مربوط به شاخص مشارکت می‌باشد.

ایکدا^۲ (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان: سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط اجتماعی در ژاپن: مشارکت سیاسی و مدارای سیاسی؛ با روش تحلیل داده‌های ثانویه به این نتایج رسیده است که عضویت در انجمن‌های داوطلبانه دارای ساختار افقی، رابطه‌ی معکوس ضعیفی با مدارا دارد. از این گذشته، نتایج این تحقیق نشان داده است که مدارا رابطه‌ی معکوس با اعتماد نهادی دارد.

سیگلر و ژوسلین^۳ (۲۰۰۲)، در پژوهشی دیگر با عنوان: گستردگی عضویت گروهی و

^۱ Necci Dineen

^۲ Ikeda

^۳ Cigler & Joslyn

سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن روی نگرش‌های مدارای سیاسی، به بررسی رابطه‌ی بین عضویت در گروه‌های داوطلبانه و نگرش‌های مدارای سیاسی در آمریکا پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت گروهی، نوع گروه و عضویت چندگانه در بخش‌های گروه‌های مختلف نقش معناداری در تعیین مدارای سیاسی دارند؛ همچنین نتایج این تحقیق حکایت از تأثیر مثبت عضویت در بخش‌های مختلف یک گروه و افزایش مدارای آنان دارد.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

در این تحقیق، برای تنظیم گویه‌های مربوط به مدارای سیاسی از نظریه‌ی کینگ استفاده شد و برای گویه‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی از نظریه‌ی رابرت پاتنام با مؤلفه‌های اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، همکاری، مشارکت و آگاهی استفاده شد. از نظر کینگ، مدارای سیاسی به این معنا است که ما آن چه را که اصولاً قبول نداریم را می‌پذیریم. بنابراین مدارا مبتنی بر تصویری است از اولویت‌ها در نزد عامل تساهل و مدارا. پیتر کینگ مدارا را بر حسب موضوع، به چهار دسته‌ی مدارای فکری - عقیدتی، مدارای سازمانی (نهادی)، مدارای هویتی و مدارای رفتاری تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی بدین ترتیب است:

۱- *مدارای فکری - عقیدتی*: مدارا نسبت به وجود، بیان یا تبلیغ عقاید مخالف. این نوع از مدارا دارای دو جنبه می‌باشد. مدارا در مقام نظر و اندیشه که ناظر بر آزادی افراد در پذیرش هر نوع فکر و اندیشه‌ی مخالف عقاید مدارا و در معرض چالش قرار دادن آن است. مقتضای مدارا در مقام اندیشه و افکار این است که صاحبان آرا و اندیشه‌های متفاوت، مجبور به پذیرش آراء به خصوصی نباشند و یا به دلیل نداشتن تفکر فکری خاص، مورد اذیت و آزار و تضييق و مانند آن قرار نگیرند.

۲- *مدارای سازمانی (نهادی)*: منظور از آن به رسمیت شناختن حق گردهمایی و ایجاد نهادها، سازمان‌ها و تشکل‌های لازم برای بیان و تبلیغ عقاید عامل تساهل می‌باشد.

۳- *مدارای هویتی*: یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون، قومیت‌های متمایز، جنس، نژاد، رنگ و فرهنگ می‌شود و به نوعی منادی همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد انسانی می‌باشد.

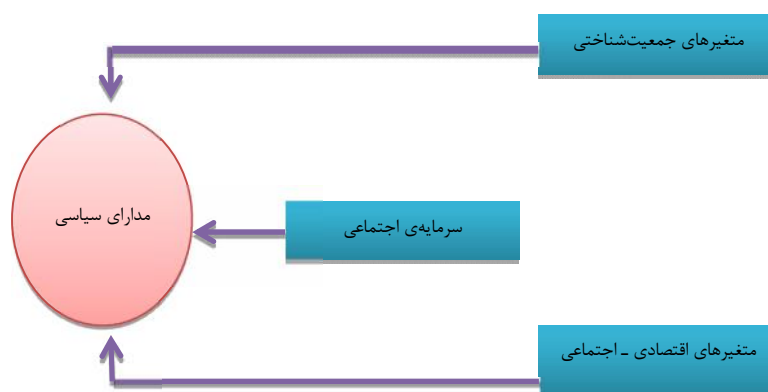
۴- *مدارای رفتاری*: مدارای رفتاری به مدارا نسبت به رفتارهای فردی و اجتماعی

موضوع مدارا در عرصه‌ی تعاملات اجتماعی و مناسبات گروهی اطلاق می‌شود (کینگ، ۱۹۷۶: ۷۴-۵).

از نظر پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از پیوندهای بین افراد (شبکه‌های اجتماعی) و هنجارهای اعتماد و کنش و واکنش متقابل که از این پیوندها ناشی می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۷). از دیدگاه پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی شامل این موارد است: میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی، مشارکت در امور عمومی، رفتار داوطلبانه، فعالیت‌های اجتماعی غیر رسمی و سطح اعتماد بین افراد. بدین ترتیب سنجه‌ی او دارای دو عامل اساسی است. سنجه‌ی مشارکت انجمنی و سنجه‌ی اعتماد (همان: ۲۹۸). از نظر پاتنام در هر سازمان یا گروهی، افراد با مشارکت در امور جمعی و سیاسی و یا عضویت در انسجام و گروه‌های رسمی و یا غیر رسمی سطحی از اعتماد و همدلی و سرمایه‌ی اجتماعی را تولید می‌کنند و این سرمایه‌ی ایجاد شده در جنبه‌های دیگر زندگی کاری و اجتماعی آن‌ها اثر می‌گذارد. این گروه‌ها و شبکه‌ها، افراد دارای توانمندی‌ها و تجربه‌های متفاوت را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهند و به این وسیله امکان تبادل مهارت‌ها و اطلاعات را فراهم می‌سازند؛ همچنین مشارکت در شبکه‌ها و روابط اجتماعی انواع دیگر سرمایه‌ی اجتماعی را که شامل اعتماد و تعهد مدنی می‌شوند، از راه بر هم کنشی بین مشارکت‌کنندگان فردی، ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۵۶).

پاتنام میان دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی تمایز می‌گذارد؛ سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه‌ی اجتماعی میان‌گروهی، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی تمایل به ممانعت از داخل شدن غیر خودی‌ها دارد و مایل است که همگنی را حفظ نماید، در حالیکه سرمایه‌ی اجتماعی میان‌گروهی به گرد هم آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی هویت‌های انحصاری را تقویت نموده و باعث حفظ همگنی می‌شود و این گروه‌های همگن افراد را تبدیل به کسانی می‌کند که زمینه و نقطه نظرات مشابهی دارند و بنابراین این افراد بیشتر از اینکه با دیگران مدارا کنند، نظر دیگران را اشتباه تصور می‌کنند و آن را تهدیدی برای موجودیت خود می‌یابند. در مقابل سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی، شبکه‌هایی را توصیف می‌کند که ما را خارج از گروه صمیمی‌مان (یعنی غریبه‌ها) متصل می‌کند. پاتنام در نهایت ادعا می‌کند که این شبکه‌های بین‌گروهی برای دموکراسی مفیدترند، چرا که این شبکه‌ها، میان‌برهای ارتباطی در جامعه را تشویق می‌کنند و مدارا، همکاری و انتشار اطلاعات را افزایش می‌دهند (پاتنام، به نقل از شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳).

مدل مفهومی پژوهش



فرضیات پژوهش

- ۱- بین میزان مشارکت اجتماعی (مشارکت در سطح محله، مشارکت در تفریحات دسته‌جمعی، مشارکت در امور مذهبی و سیاسی) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان اعتماد اجتماعی (اعتماد شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان آگاهی اجتماعی (آگاهی به امور سیاسی، آگاهی دینی و آگاهی به امور عمومی) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان تعهد اجتماعی (تعهد نسبت به خانواده، تعهد نسبت به جامعه و تعهد نسبت به دوستان) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان تعامل اجتماعی (میل به روابط باز و گسترده با دیگران، میل به ایجاد روابط عاطفی با دیگران) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۶- بین پایبندی به مذهب و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان استفاده از رسانه و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.

- ۸- بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد) و مدارای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۹- بین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی (درآمد، تحصیلات والدین، مقطع تحصیلی، وضعیت اشتغال، قومیت، محل سکونت) و مدارای سیاسی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش پیمایش استفاده شده است و ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ با تعداد ۱۷۶۱۴ نفر بود. حجم نمونه‌ی مورد مطالعه بر مبنای فرمول کوکران ۳۷۶ نفر محاسبه گردید که برای اطمینان بیشتر به ۳۹۰ نفر ارتقاء یافت. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده متناسب با حجم استفاده شد و افراد نمونه بر اساس متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده‌ی محل تحصیل انتخاب شدند. اعتبار مورد استفاده در این مطالعه، اعتبار صوری است. پس از تهیه‌ی اولیه‌ی پرسشنامه و قبل از اینکه به صورت نهایی اجرا شود پرسشنامه به تعدادی از اساتید بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز به ویژه اساتید راهنما و مشاور ارائه شد و نظرات آن‌ها در مورد پرسشنامه اعمال گردید و پرسشنامه‌ی نهایی تدوین شد. جهت بدست آوردن پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ابعاد تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعامل اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۶۲۵، ۰/۸۲۳، ۰/۶۷۱، ۰/۸۲۸ و ۰/۷۰۷ بود؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای متغیر مدارای سیاسی کل، استفاده از رسانه‌های جمعی و پایبندی به فرایض مذهبی به ترتیب برابر با ۰/۸۹۹، ۰/۷۱۲ و ۰/۸۱۰ بود.

یافته‌های پژوهش

بیشترین درصد پاسخگویان (۴۹/۹ درصد) در سنین ۲۰ تا ۲۵ سال و کمترین درصد سن پاسخگویان ۲۰/۳ درصد بالاتر از ۲۵ سال قرار دارند. ۴۴/۶ درصد از کل پاسخگویان را زنان و ۵۵/۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. ۸۷/۲ درصد از کل پاسخگویان مجرد و ۱۲/۸ درصد آن‌ها متأهل‌اند. دانشجویان کارشناسی ۵۵/۹ درصد از کل دانشجویان را تشکیل می‌دهند و دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۴۴/۱ درصد را شامل می‌شوند. از نظر

دانشکده‌ی محل تحصیل بیشترین فراوانی $36/2$ درصد مربوط به دانشکده‌ی مهندسی و بعد از آن $21/3$ درصد علوم انسانی و کمترین فراوانی $5/1$ درصد مربوط به دانشکده‌ی هنر و معماری می‌باشد. بیشترین درصد از کل پاسخگویان $61/5$ درصد در گروه قومی فارس و کمترین $3/6$ درصد در گروه قومی کرد قرار دارند. قومیت‌های فارس، لر، ترک، کرد و سایر به ترتیب $61/5$ ، $18/7$ ، $10/3$ ، $3/6$ و $5/9$ درصد از کل پاسخگویان را شامل می‌شوند. $79/5$ درصد از کل پاسخگویان در شهر ساکن هستند و $20/5$ درصد آن‌ها در روستا ساکن‌اند. همچنین $10/5$ درصد پاسخگویان شاغل و $89/5$ درصد آن‌ها غیر شاغل‌اند. به لحاظ میزان داشتن مدارای سیاسی $19/2$ درصد دارای مدارای سیاسی در حد پایین، $61/3$ درصد دارای مدارای سیاسی در حد متوسط و $19/5$ درصد کل پاسخگویان دارای مدارای سیاسی در حد بالایی هستند.

بررسی فرضیات پژوهش

در این بخش ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق از طریق آماره‌های متناسب با آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، محل تولد و محل سکونت با مدارای سیاسی از آزمون T مستقل (مقایسه‌ی میانگین‌ها) استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود از میان این متغیرها با توجه به مقادیر T و سطح معناداری به دست آمده فقط رابطه‌ی مقطع تحصیلی با مدارای سیاسی معنادار بود و سایر متغیرها (جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد و محل سکونت) با مدارای سیاسی رابطه‌ی معناداری نداشتند، بنابراین این فرضیات تأیید نشدند.

جدول ۱: بررسی رابطه‌ی متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، محل تولد و محل

سکونت با مدارای سیاسی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	مقوله	فراوانی	میانگین	خطای استاندارد	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	T	سطح معناداری
مدارای سیاسی کل	جنسیت	مرد	۲۱۶	۴/۰۷۰۵	۰/۰۳۳۱	۴۰	۸۹	۰/۴۸۷۰	۱/۸۸۷	۰/۰۶۱
		زن	۱۷۴	۳/۹۷۷۷	۰/۰۳۶۶	۴۲	۷۸	۰/۴۸۳۶		
	تأهل	مجرد	۳۴۰	۴/۰۲۱۵	۰/۰۲۶۶	۴۰	۸۹	۰/۴۹۳۵	-۰/۹۷۶	۰/۲۴۰
		متأهل	۵۹	۴/۰۹۷۵	۰/۰۶۷۳	۴۶	۷۵	۰/۴۴۷۰		
	مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۵۰	۳/۹۸۸۹	۰/۰۳۰۸	۴۲	۸۹	۰/۴۸۷۷	-۰/۱۸۷	۰/۰۲۹
		تحصیلات تکمیلی	۱۴۰	۴/۱۰۰۸	۰/۰۴۰۵	۴۰	۸۹	۰/۴۷۹۴		
	محل تولد	شهر	۳۱۰	۴/۰۰۳۸	۰/۰۲۸۰	۴۰	۸۹	۰/۴۹۴۳	-۲/۰۷۱	۰/۰۹۷
		روستا	۸۰	۴/۱۳۱۹	۰/۰۵۱۰	۴۶	۷۵	۰/۴۴۷۷		
	محل سکونت	شهر	۳۲۳	۴/۰۳۲۲	۰/۰۲۷۳	۴۰	۸۹	۰/۴۹۱۴	۰/۲۷۲	۰/۴۱۴
		روستا	۶۷	۴/۰۱۴۴	۰/۰۵۷۳	۵۰	۷۶	۰/۴۶۹۲		

برای سنجش متغیرهای سن، تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی، پایبندی به مذهب و میزان استفاده از رسانه‌ها با مدارای سیاسی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

بر اساس یافته‌های جدول ۲ همان‌گونه که مشاهده می‌شود با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون و سطح معناداری رابطه‌ی تمام این متغیرها با مدارای سیاسی تأیید شد. متغیرهای سن، تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی و میزان استفاده از رسانه با مدارای سیاسی رابطه‌ی مستقیم ولی ضعیفی داشتند و همچنین متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و پایبندی به مذهب با مدارای سیاسی رابطه‌ی معکوس داشتند، یعنی با افزایش این متغیرها میزان مدارای سیاسی پاسخگویان کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۲: بررسی رابطه‌ی سن، میزان استفاده از رسانه‌ها، پایداری به فرایض مذهبی و مؤلفه‌های

سرمایه‌ی اجتماعی با مدارای سیاسی

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	-۰/۲۱۱	مشارکت اجتماعی / مدارای سیاسی
۰/۰۱۱	۰/۱۳۰	آگاهی اجتماعی / مدارای سیاسی
۰/۰۱۴	-۰/۱۲۵	اعتماد اجتماعی / مدارای سیاسی
۰/۰۰۲	۰/۱۵۸	تعامل اجتماعی / مدارای سیاسی
۰/۰۴۳	۰/۱۰۳	تعهد اجتماعی / مدارای سیاسی
۰/۰۴۲	۰/۱۰۳	سن / مدارای سیاسی
۰/۰۰۱	۰/۱۶۴	مصرف رسانه / مدارای سیاسی

تحلیل چند متغیره

جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی تحلیل رگرسیون چند متغیره‌ی گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته مدارای سیاسی می‌باشد. با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت که از بین تمام متغیرهای مستقلی که وارد تحلیل رگرسیون چند متغیره شدند، تنها ۸ متغیر باقی ماندند که به ترتیب عبارتند از: مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، محل تولد، اعتماد اجتماعی، محل سکونت، میزان مصرف رسانه، و جنسیت. این ۸ متغیر در مجموع توانستند ۲۴ درصد از واریانس متغیر مدارای سیاسی کل را تبیین نمایند و بنابراین ۷۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای دیگری تبیین می‌شود که در این تحقیق مدنظر نبوده‌اند. با توجه به نتایج آزمون باید گفت که ضریب همبستگی کلی این هشت متغیر در مجموع برابر با ۰/۴۹۰ است و مقادیر بدست آمده برای بتا، بیانگر آن است که متغیرهای وارد شده در مرحله‌ی اول، پنجم، ششم، و هشتم (یعنی به ترتیب متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، محل سکونت و جنسیت) با متغیر وابسته‌ی مدارای سیاسی رابطه‌ای منفی و غیر مستقیم داشته‌اند؛ همچنین متغیرهای وارد شده در مرحله‌ی دوم، سوم، چهارم و هفتم (یعنی به ترتیب آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، محل تولد و میزان مصرف رسانه‌ها) با این متغیر وابسته رابطه‌ی مثبت و مستقیم دارند و متغیر مشارکت اجتماعی تأثیرگذارترین متغیر محسوب می‌شود زیرا که توانسته است ۰/۰۴ از واریانس متغیر وابسته (مدارای سیاسی) را تبیین نماید. مقادیر به دست آمده برای t و سطح معناداری نشان می‌دهند که تمامی متغیرها در هر هشت مرحله با متغیر وابسته‌ی مدارای سیاسی در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار می‌باشند. همان‌گونه که

ملاحظه می‌شود جهت همبستگی متغیرهای مراحل اول، ششم، هفتم و هشتم منفی و معکوس است.

جدول ۳: تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته‌ی مدارای سیاسی

گام	متغیر وارد شده	R	R ^۲	R ^۲ .Ad	خطای استاندارد	B	Beta	T	Sig t
۱	مشارکت اجتماعی	۰/۲۲۲	۰/۰۴۹	۰/۰۴۷	۰/۴۷۳۰	-۰/۲۳۴	-۰/۳۶۱	-۶/۵۹۶	۰/۰۰۰
۲	آگاهی اجتماعی	۰/۳۲۲	۰/۱۰۴	۰/۰۹۹	۰/۴۵۹۸	۰/۱۹۷	۰/۲۴۴	۴/۸۱۲	۰/۰۰۰
۳	تعامل اجتماعی	۰/۳۸۹	۰/۱۵۱	۰/۱۴۴	۰/۴۴۸۱	۰/۲۷۶	۰/۲۹۰	۵/۷۹۴	۰/۰۰۰
۴	محل تولد	۰/۴۱۷	۰/۱۷۴	۰/۱۶۴	۰/۴۴۲۸	۰/۳۴۱	۰/۲۸۵	۴/۲۴۱	۰/۰۰۰
۵	اعتماد اجتماعی	۰/۴۳۵	۰/۱۸۹	۰/۱۷۸	۰/۴۳۹۱	-۰/۱۴۱	-۰/۱۳۸	-۲/۷۰۶	۰/۰۰۷
۶	محل سکونت	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۰/۱۹۴	۰/۴۳۴۹	-۰/۲۷۷	-۰/۲۱۵	-۳/۲۵۹	۰/۰۰۱
۷	میزان مصرف رسانه	۰/۴۷۳	۰/۲۲۴	۰/۲۰۹	۰/۴۳۰۸	۰/۱۱۲	۰/۱۵۴	۳/۲۵۰	۰/۰۰۱
۸	جنسیت	۰/۴۹۰	۰/۲۴۱	۰/۲۲۴	۰/۴۲۶۸	-۰/۱۳۶	-۰/۱۴۰	-۲/۸۱۰	۰/۰۰۵

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مدارای سیاسی در حد متوسط به بالا با میزان ۶۱/۳ درصد در میان جامعه‌ی آماری قابل توجه می‌باشد. در تبیین و سطح مدارای سیاسی بایستی یک رویکرد سیستمی و جامع بنیاد داشته باشیم، به این معنی که سطح مدارای سیاسی از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است و به صرف گسترش نظام آموزشی و مصرف اینترنتی نمی‌توان در چارچوب نظریات نوسازی انتظار داشت که در یک کشور جهان سومی به اندازه‌ی کشورهای پیشرفته و صنعتی مدارای سیاسی ارتقا پیدا کند که مهم‌ترین دلایل این امر عبارتند از: ۱- ساخت قدرت سیاسی و حکومت؛ ۲- ساختار قومی و جمعیتی کشور؛ ۳- ریشه‌داری فرهنگ تابعیت و میراث‌های تاریخی گذشته؛ ۴- سطح

تعلقات مذهبی و میزان محدودیت‌های مذهبی با تساهل سیاسی، که در مجموع همه‌ی این عوامل منجر به شکل‌گیری یک جامعه‌ی محافظه‌کار از لحاظ سیاسی می‌شود و بنابراین درصد بالای جامعه در سطح متوسط شکل می‌گیرد؛ همچنین نتایج یافته‌ها نشان داد که از مجموع متغیرهای زمینه‌ای سن و مقطع تحصیلی با مدارای سیاسی رابطه‌ی معناداری دارند و این نتایج با نتایج تحقیق شارع‌پور و همکاران و تحقیق ادیبی‌سده و همکاران مطابقت دارد و متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل سکونت، محل تولد و وضعیت اشتغال با مدارای سیاسی ارتباط معناداری نداشتند. بر این اساس به نظر می‌رسد که در بین دانشجویان، فرهنگ دانشجویی مسلط و غالب بوده و متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است و همچنین می‌توان گفت که فضای جامعه و دانشگاه تحت تأثیر رسانه‌ها، سمینار و همایش‌ها در درون دانشگاه به حدی گسترده شده که پاره‌ای از ویژگی‌های دانشجویان از جمله رشته‌ی تحصیلی و عوامل زمینه‌ای را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است؛ همچنین بر اساس نظریه‌های اندیشمندان جهانی‌شدن مبنی بر اینکه در گذشته، زمان در اسارت مکان بوده و آگاهی سیاسی و اجتماعی در سطحی پایین بود اما امروزه با توجه به اینکه انقلاب ارتباطات رخ داده و زمان نیز از اسارت مکان رها گردیده و همچنین ارتباطات دامنه‌ی وسیع و گسترده‌ای را در بر گرفته است بنابراین تفاوت‌های مکانی و قومی تأثیرگذاری خود را نسبت به گذشته از دست دادند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۷۹). بر اساس یافته‌های پژوهش متغیرهای اجتماعی مانند پایبندی به فرایض مذهبی و میزان استفاده از رسانه‌ها با مدارای سیاسی پاسخگویان ارتباط معناداری دارد ولی فرایض مذهبی دارای ارتباط معکوس با مدارای سیاسی می‌باشد و این می‌تواند به این دلایل باشد که با توجه به اینکه افراد مذهبی انعطاف‌پذیر نبوده و اصول را زیر پا نمی‌گذارند؛ بنابراین در عرصه‌ی سیاسی نیز می‌خواهند که سیاست بر پایه‌ی اصول باشد پس پراگماتیسم، نسبی‌گرایی و مصلحت‌اندیشی را قبول ندارند، بنابراین با دیدگاه‌های مخالف و متفاوت از خودشان بردباری نشان نمی‌دهند.

بر اساس یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی یعنی مشارکت، اعتماد، آگاهی، تعامل و تعهد اجتماعی با مدارای سیاسی ارتباط معنادار ولی ضعیفی دارند که در این میان برخلاف چارچوب نظری و تصور عموم متغیرهای مشارکت با ضریب همبستگی $0/211-$ و سطح معناداری $0/000$ درصد و اعتماد اجتماعی با ضریب همبستگی $0/125-$ و سطح معناداری $0/014$ درصد، ارتباط معکوسی با مدارای سیاسی دارند. تحلیل رگرسیون چند متغیره و ضرایب بدست آمده برای بتا نیز به خوبی این ارتباط را نشان می‌دهد یعنی

به میزانی که مشارکت و اعتماد اجتماعی بالا می‌رود مدارای سیاسی کاهش می‌یابد. در مجموع، جوهره‌ی اصلی مشارکت را می‌بایست در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست و از منظر جامعه‌شناختی بایستی بین مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد و به‌عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمایز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد. البته با توجه به اینکه محدوده‌ی پژوهش ما بر اساس دانشجویان جامعه‌ی ایران بوده و این جامعه دارای شرایط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص خود می‌باشد؛ بنابراین شاید طبیعی به نظر می‌رسد که دچار این تناقض‌ها و تفاوت‌ها باشد، زیرا که بر اساس چارچوب نظری تحقیق، مشارکت باید به صورت ارادی و داوطلبانه و همچنین در قالب نهادهای مدنی و غیر دولتی شکل بگیرد و نهادینه شود ولی در جامعه‌ای مانند ایران که مشارکت‌ها فرایندی نیستند، یعنی به طور مستمر و طولانی مدت شکل نمی‌گیرند و تکرار و تمرین ندارند و همچنین با توجه به اینکه افراد در مواقع حساس و بحرانی و تحت تأثیر هیجانات و عواطف مشارکت می‌کنند، پس مشارکت به صورت منطقی شکل نمی‌گیرد و از طرفی به افراد جامعه نیز آموزش‌های لازم (به‌عنوان مثال در قالب احزاب و تشکل‌های مدنی) داده نمی‌شود. بنابراین با وجود این بسترها و عوامل مرتبط مدارای سیاسی افزایش نمی‌یابد. اعتماد اجتماعی از جمله متغیر دیگری است که با مدارای سیاسی رابطه‌ی معکوس دارد. پاتنام معتقد است سرمایه‌های اجتماعی برون‌گروهی است که مبنای دموکراسی و شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی است و از آنجا که مدارا از مؤلفه‌های جامعه مدنی است، بنابراین هر میزانی که این نوع سرمایه افزایش پیدا می‌کند مدارای سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند ولی در این پژوهش سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی یعنی همان اعتماد به دوستان صمیمی، اعضای خانواده، گروه‌های فکری و اعتقادی و تشکل‌های همسو، تعیین‌کننده‌ی این ارتباط بودند و با بالا بودن این نوع از سرمایه‌هاست که مدارای سیاسی کاهش پیدا می‌کند یعنی جامعه به خودی‌ها و غیر خودی‌ها تقسیم می‌شود و بنابراین چون به غیر خودی‌ها اعتماد پایین می‌باشد در نتیجه به عدم مدارا می‌انجامد.

در مجموع می‌توان گفت که مدارای سیاسی پاسخگویان در سطح متوسط قابل توجه است و همچنین رابطه‌ی ضعیفی میان متغیرهای مستقل با مدارای سیاسی وجود دارد که می‌تواند ناشی از محافظه کار بودن جامعه‌ی مورد مطالعه باشد.

فهرست منابع:

- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام.
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۸۹). "بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان"، فصلنامه‌ی تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره‌ی سوم.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). "مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۶.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). "مطالعه‌ی خانواده‌های شهر شیراز در زمینه‌ی عوامل و پیامدهای مدارا"، مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی (۴۳)، شماره‌ی سوم.
- سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۳). "راهبردهایی برای بهسازی سرمایه‌ی اجتماعی در ایران"، فصلنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۹۶.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸). "تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه‌ی اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار"، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال پنجم، شماره‌ی اول.
- شارع‌پور، محمود، آزادارمکی، تقی و عسکری، علی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشگاه تهران و علامه طباطبایی"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۱.
- گلابی، فاطمه و رضایی، اکرم (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان"، فصلنامه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.

Cigler, Allan & Joslyn, Mark R. (2002). "The Extensiveness of Group Membership Quarterly", Vol. 55, No. 1, pp. 7-25.

Ikeda, K. (2002). "Social Capital and Social Communication in Japan: Political Participation and Tolerance", Center for the Study of Democracy, <http://repositories.cdlib.org/csd/02-05>. 2007/9/10.

King, P. (1976). *Toleration*, London: George Allen & Unwin.

Necci Dineen, J., (2001). "The Impact of Political Participation on Political Tolerance in America", Dissertation, Department of

Sociology, University of Connecticut.

Phelps, E. (2004). White students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: A study of Social Tolerance and Cosmopolitanism, Dissertation, New York University.

Putnam, R. (1995). Democracy in America at Century end. In A. Haden us (Ed), Democracy Victory and Crisis, New York: Cambridge University Press.